

جلسه ۱۲-۷۲۵

شنبه - ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

- ۲..... صاحب حدائق: مختص است عدول در روز جمعه به نماز جمعه
- ۲..... اشکال اول
- ۳..... اشکال دوم
- ۴..... اشکال سوم (محقق خوئی)
- ۴..... پاسخ از اشکال سوم
- ۵..... آقای سیستانی: دلیل جواز عدول، شامل نماز صبح، ظهر و عصر روز جمعه هم می‌شود
- ۶..... وجه عدم شمول دلیل جواز عدول برای نماز عشاء شب جمعه

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث راجع به مسأله ۱۶ بحث قرائت در نماز بود که فرمودند: در روز جمعه می‌شود از سوره توحید و جحد به سوره جمعه و منافقین عدول کرد در نماز جمعه و در نماز ظهر در روز جمعه.

راجع به اصل جواز عدول از سوره توحید و سوره جحد به سوره جمعه و منافقین در روز جمعه بحث کردیم و پذیرفتیم. ولی بحث در این است که آیا این جواز عدول مختص به نماز جمعه است که نظر صاحب حدائق است یا شامل نماز ظهر روز جمعه هم می‌شود که نظر مشهور از جمله صاحب عروه است یا شامل نماز جمعه و نماز ظهر و عصر روز جمعه هم می‌شود که صاحب جواهر از جامع المقاصد نقل کرده یا شامل نماز جمعه و نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه می‌شود که نظر آقای سیستانی است یا بالاتر، علاوه بر نماز جمعه و نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه، شامل نماز عشاء شب جمعه هم می‌شود که از جعفری نقل شده.

البته آنی که از جعفری نقل شده این است که گفته: نماز جمعه و نماز صبح و عشاء شب جمعه می‌شود، این که ما در کلام جعفری که در ذکری نقل شده دیدیم این است که ان كنت في صلاة الجمعة و الصبح يومئذ يعني في يوم الجمعة و العشاء الآخرة ليلة الجمعة فاقطعها و خذ في سورة الجمعة و اذا جاءك المنافقون. ولی در کتاب مرحوم آقای خوئی نقل کردند که ایشان نماز ظهر روز جمعه را هم گفته عدول جایز است، آنی که در ذکری نقل می‌کند از جعفری نماز ظهر روز جمعه در آن نیست، نماز عشاء شب جمعه و صبح و خود نماز جمعه است.

صاحب حدائق: مختص است عدول در روز جمعه به نماز جمعه

ببینیم کدام یک از این نظرها درست است. اول نظر صاحب حدائق را بگوییم که می گفت مختص است جواز عدول به نماز جمعه. ایشان در جلد ۸ حدائق صفحه ۲۲۰ فرمودند: مورد روایات نماز جمعه است، فقط یک روایت داریم که در آن لفظ نماز جمعه نیامده و آن روایت حلبی است، اذا افتتحت صلاتک بقل هو الله احد و انت ترید ان تقرأ بغيرها فامض فیها و لاترجع الا ان تکون فی یوم الجمعة فانک ترجع الی الجمعة و المنافقین منها. در این صحیح حلبی ندارد نماز جمعه، دارد الا ان تکون فی یوم الجمعة. سندش خوب است. شیخ طوسی به اسنادش از حسین بن سعید از فضالة از حسین بن عثمان و محمد بن سنان جمیعاً یعنی محمد بن سنان اگر ضعیف باشد مهم نیست چون حسین بن عثمان ثقة است، عن ابن مسکان عن الحبی، سند صحیح است، رجوع کنید به وسائل جلد ۶ صفحه ۱۵۳. صاحب حدائق فرموده و لکن ما باید حمل کنیم این روایت صحیح حلبی را بر نماز جمعه. چرا؟ برای این که ما در اصول که آقایان اصولیین گفتند، این را خواندیم، یک مقدارش را هم قبول داریم که اگر یک خطاب مطلق بود و یک خطاب مقیدی حمل مطلق بر مقید باید بکنیم، بقیه روایات مقید بود به نماز جمعه، این روایت مطلق است، حمل مطلق بر مقید می کنیم و این روایت را هم می گوئید مراد نماز جمعه است.

اشکال اول

این فرمایش صاحب حدائق که محقق عراقی هم در تعلیقه عروه احتیاط واجب می کند که فقط در نماز جمعه عدول بکنید از سوره جحد و توحید به سوره جمعه و منافقین، چون قدرمتیقن از روایات نماز جمعه است، به نظر ما این بیان ناتمام است. شما که اصول را قبول نداشتید صاحب حدائق، خدا رحمت کند! حالا که می خواهی اصول را تطبیق کنی درست تطبیق نمی کنی. حمل مطلق بر مقید در دو مورد می شود: یک: دو خطاب متنافی باشد در سلب و ایجاب، اکرم العالم لاتکرم العالم الفاسق، یکی امر است دیگری نهی، با هم قابل جمع نیستند حمل مطلق بر مقید می کنیم. دو: در جایی که مطلق بدلی است مثل ان ظاهره فاعتق رقبة ان ظاهره فاعتق رقبة مؤمنة، ما یک وجوب بدلی بیشتر نداریم، هنگامی که ظاهر می کند یک وجوب عتق رقبة دارد یک وجوب عتق رقبة که نمی تواند دو تا متعلق داشته باشد، یک وجوب است، یا متعلقش مطلق عتق رقبة است یا متعلقش عتق رقبة مؤمنة است. اگر بگویید متعلقش مطلق عتق رقبة است باید آن خطاب ان ظاهره فاعتق رقبة مؤمنة را حمل کنید بر استحباب و این عرفی نیست، و لذا چون ان ظاهره فاعتق رقبة مؤمنة ظاهر در وجوب است و نباید از این ظهور رفع ید کرد قرینه می شود این خطاب بر این که مراد از ان ظاهره فاعتق رقبة هم رقبة مؤمنة باشد، چون اگر ما بگوییم ان ظاهره فاعتق رقبة مطلق عتق رقبة مراد است باید خطاب ان ظاهره فاعتق رقبة مؤمنة را حمل بر استحباب بکنیم، حمل بر افضل الافراد بکنیم و این جمع عرفی نیست. جمع موضوعی از نظر عرف مقدم است بر جمع حکمی که حمل بر استحباب بکنیم عتق رقبة مؤمنة را. این

دو مورد است برای حمل مطلق بر مقید؛ و مانحن فیه جزء هیچ کدام از این دو مورد نیست. دو خطاب هستند هر دو مثبت هستند و خطاب هم شمولی است نه بدلی، مثل این که مولی در یک جا بگوید اکرم العالم یک جا بگوید اکرم الفقیه، این ها اصلاً با هم تنافی ندارند.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که این روایت حلبی می گوید: الا ان تكون فی يوم الجمعة، اطلاق دارد چه صلات جمعه باشد چه صلات ظهر يوم الجمعة باشد، چه صلات عصر يوم الجمعة باشد، همه این ها را شامل می شود. حالا روایات دیگری هست که در مورد خصوص نماز جمعه آمده، مثبتین هستند با هم تنافی ندارند، مثلاً روایت عبیده بن زراره می گوید: رجل صلى الجمعة فاراد ان يقرأ سورة الجمعة فقرأ قل هو الله احد قال يعود الى سورة الجمعة، این اصلاً موردش نماز جمعه است، این که مفهوم ندارد. مخصوصاً چون در سؤال سائل ذکر شده. یعنی اگر وصف معتمد بر موصوف داشتیم، در کلام امام بود، مفهوم داشت، یعنی امام می فرمود اکرم العالم العادل، این مفهوم فی الجملة داشت که معلوم می شود اکرام عالم مطلقاً واجب نیست و الا امام نمی فرمود اکرم العالم العادل، اما اگر در سؤال سائل این وصف ذکر بشود که دیگر این مفهوم ندارد، سائل بگوید: هل اکرم العالم العادل، امام بفرماید نعم، این قطعاً مفهوم ندارد که اکرم العالم را تقیید بزند. پس این روایت هم مفهوم وصف ندارد، چون شبیه لقب است، رجل صلى الجمعة، شبیه مفهوم لقب است، وصف معتمد بر موصوف نیست. اگر می گفت صلی فی يوم الجمعة صلاة الجمعة این می شد وصف معتمد بر موصوف، این جور که نیست. و اگر هم می گفت رجل صلی فی يوم الجمعة صلاة الجمعة باز مفهوم نداشت، چرا؟ چون در سؤال سائل اخذ شده است، ما که به سؤال سائل کار نداریم ما به جواب امام کار داریم. و لذا این روایت مفهوم ندارد که بخواهد تقیید بزند اطلاق صحیحه حلبی را.

اشکال دوم

هذا اولاً. ثانياً: این که شما بخواهید حمل مطلق بر مقید کنید یعنی آن روایاتی که مثل روایت صحیحه حلبی مطلق هست، خصوص نماز جمعه نیست، حمل کنید بر نماز جمعه، با بعضی از روایات سازگار نیست. کدام روایت؟ صحیحه علی بن جعفر. قال: سألته عن القراءة فی الجمعة بم يقرأ قال سورة الجمعة و اذا جاءك المنافقون و ان اخذت فی غیرها و ان كان قل هو الله احد فاقطعها من اولها و ارجع اليها، امام علیه السلام خطاب به علی بن جعفر می فرمایند اگر در جمعه شما شروع کردی غیر سوره جمعه و منافقین خواندی و لو سوره قل هو الله را شروع بکنی قطعش کن، عدول کن به سوره جمعه و منافقین، خب علی بن جعفر مگر امام جمعه بود؟ علی بن جعفر که امام جمعه نبود، ظاهر این خطاب نسبت به علی بن جعفر یعنی همان نمازهایی که می خوانی، علی بن جعفر که در روز جمعه نماز جمعه نمی خواند، نماز ظهر می خواند.

[سؤال: ... جواب:] خود امام صادق علیه السلام نماز جمعه نمی خواند. ... کدام صحابی امام صادق امام جمعه بوده؟ نه امام جمعه دائم بود نه امام جمعه موقت. ... خلاف ظاهر است. شما الان

۴ مسائل

بیایی به یک آدم معمولی که اصلاً در مظان امام جمعه شدن نیست، اصلاً افکارش با امام جمعه شدن سازگار نیست، به او بیایی بگویی که اگر در جمعه شروع کردی سوره‌ای غیر از جمعه و منافقین خواندی، عدول کن به سوره جمعه و منافقین، بعد بگویی من مقصودم نماز جمعه است، می‌گویند اگر مقصودت نماز جمعه است پس چرا به من می‌گویی؟ ... و آن اخذت فی غیرها تعبیر نمی‌کنند. اگر بگویند و آن اخذ فی غیرها خوب است، یعنی آن مکلفی که امام جمعه می‌خواهد بشود، اما و آن اخذت فی غیرها تعبیر کرده. ... رجوع به جمعه و منافقین قرینه داریم بر این که استحباب مؤکد است.

[سؤال: ... جواب:] آقا اشاره می‌کنند به یک روایتی که در کافی هست: معاویه بن عمار عن عمر بن یزید قال ابو عبد الله عليه السلام من صلى الجمعة بغير الجمعة و المنافقين اعاد الصلاة في سفر او حضر. این که دارد من صلی الجمعة [لذا] ظاهرش نماز جمعه است. و اشکال ندارد نماز جمعه در سفر هم بخوانند. نماز جمعه در سفر نامشروع نیست، بلکه وجوبش برداشته شده نه مشروعیتش، این روایت دلیل نمی‌شود. و لکن عمده این است که به علی بن جعفر بگویند آن اخذت فی غیرها بعد بگویند مقصود این است که یعنی فی صلاة الجمعة، علی بن جعفر می‌گوید من کی امام جمعه بودم که حالا باشم. خلاف ظاهر است. ... این که امام جمعه می‌تواند مسافر باشد مورد اختلاف است، عده‌ای از فقهاء استظهار کردند از روایات که می‌تواند امام جمعه مسافر باشد، مورد اختلاف است.

اشکال سوم (محقق خوئی)

مرحوم آقای خوئی اشکال سومی مطرح کردند به این کلام صاحب حدائق. فرمودند: این که ایشان گفته صلی الجمعة اختصاص دارد به نماز جمعه، این درست نیست. اصلاً صلی الجمعة یعنی صلاة فی يوم الجمعة، نماز ظهر را هم می‌گیرد یعنی حتی اگر روایت حلبی نبود، ما بودیم و روایات دیگر، خب روایات دیگر دارد: صلی الجمعة، روایت عبیده بن زراره داشت رجل صلی الجمعة که صاحب حدائق گفت این که دیگر مراد نماز جمعه است، نه، آقای خوئی فرمودند: صلی الجمعة کجا دارد نماز جمعه، روز جمعه نماز خواند. اتفاقاً نماز ظهر و نماز جمعه حقیقت واحد هستند، یک حقیقت هستند، منتها نماز جمعه با شرائط که خوانده می‌شود دو رکعت نماز تبدیل می‌شود به دو تا خطبه.

پاسخ از اشکال سوم

این فرمایش آقای خوئی انصافاً فرمایش درستی نیست، ظاهر صلی الجمعة یعنی صلاة الجمعة. آخه این که خلاف انصاف است ما بگوییم روایت عبیده بن زراره هم که می‌گوید رجل صلی الجمعة این اعم است از نماز ظهر روز جمعه و نماز جمعه. انصافاً ظاهر صلی الجمعة یعنی صلاة الجمعة. نه این که صلی صلاة الظهر فی يوم الجمعة. اگر ظرف است پس نماز صبح روز جمعه هم بگویند مشمول صلی الجمعة است، نماز عصر روز جمعه هم مشمول صلی الجمعة است. این‌ها عرفی نیست.

قرائت ۵

[سؤال: ... جواب:] ظاهر صلی الجمعة انصافا یعنی صلات جمعه، حالا یک جاهایی قرینه داشتیم که مراد از صلی الجمعة نماز ظهر روز جمعه باشد این‌ها قرینه می‌خواهد، بدون قرینه نمی‌شود گفت ظاهر صلی الجمعة اعم از صلات جمعه است یا صلات ظهر روز جمعه است.

[سؤال: ... جواب:] شما مؤید هستید ولی عند الدوران بین این‌ها که تأیید شما را قبول کنم یا فرمایش آقای خوئی را، فرمایش آقای خوئی را قبول می‌کنم!! چون صل الجمعة، ایشان می‌گویند صلی صلاة الجمعة منتها صلات جمعه اعم از نماز ظهر روز جمعه و نماز جمعه، اما دیگر صلاة السبت نداریم. ایشان می‌گویند صلاة الجمعة اطلق على الاعم من صلاة الجمعة و صلاة الظهر في يوم الجمعة، به هر دو می‌گویند صلاة الجمعة ولی به نماز روز سبت که نمی‌گویند صلات يوم السبت. این فرق می‌کند.

پس انصافا فرمایش صاحب حدائق تمام نیست. مگر کسی روایت دعائم الاسلام را بپذیرد. روایت دعائم الاسلام دارد که ان بدأ بقل هو الله احد قطعها و رجع الى سورة الجمعة او سورة المنافقين في صلاة الجمعة خاصة. این هم که کتاب دعائم الاسلام نه مؤلفش معلوم هست که ثقة است و نه سند دارد به امام علیه السلام. فقط می‌گویند رُوينا عن جعفر بن محمد عليهما السلام انه قال.

[سؤال: ... جواب:] نماز ظهر روز جمعه هم مستحب است جمعه و منافقین در آن خوانده بشود. ... فعلا نظر صاحب حدائق را رد کنیم. ... نماز ظهر روز جمعه هم مستحب است سوره جمعه و منافقین خوانده بشود در آن. عدول می‌کند انسان از سوره قل هو الله و سوره جحد به سوره جمعه و منافقین در نماز ظهر روز جمعه چون مستحب است در نماز ظهر روز جمعه سوره جمعه و منافقین خوانده بشود.

آقای خوئی خودش نظرشان این است که فقط نماز ظهر جمعه و خود نماز جمعه این حکم جواز عدول از سوره توحید و جحد به سوره جمعه و منافقین را دارند. اما قبل از این‌که بیان ایشان را عرض کنم، اجازه بدهید بیان آقای سیستانی را که مستوفات بیان کردند و گفتند نماز ظهر و عصر روز جمعه، نماز صبح روز جمعه، همه این‌ها مشمول این حکم هستند. بیان آقای سیستانی را چون مستوفات است عرض کنیم و بعد ببینیم آیا ایرادهای آقای خوئی وارد هست یا وارد نیست.

آقای سیستانی: دلیل جواز عدول، شامل نماز صبح، ظهر و عصر روز جمعه هم می‌شود

آقای سیستانی فرموده‌اند: صحیحه حلبی داشت: الا ان تكون في يوم الجمعة، گفت جایز نیست عدول از سوره توحید، جحد هم که مثل توحید است الا ان تكون في يوم الجمعة فانك ترجع الى الجمعة و المنافقين منها، يوم الجمعة شامل نماز ظهر و عصر روز جمعه که می‌شود. بلکه شامل نماز صبح روز جمعه هم می‌شود. چرا؟ برای این‌که يوم شرعا ابتدائش از طلوع فجر است، بلکه آقای سیستانی فرمودند: عرفا هم همین‌طور است. فرق است بین نهار و يوم، نهار از طلوع شمس شروع می‌شود، اذا طلعت الشمس فالنهار موجود، اما يوم از طلوع فجر شروع می‌شود. شرعا هم که روایاتی هست که فرموده: نماز صبح جزء صلوات یومیه است، در مقابل صلوات لیلیه.

۶ مسائل

بعد ایشان فرمودند: صحیح محمد بن مسلم از این صحیح حلی واضح تر است، چرا؟ برای این که اصلاً یوم الجمعة هم ندارد، و مسائل جلد ۶ صفحه ۱۵۲: الرجل یزید ان یقرأ سورة الجمعة فی الجمعة. دارد فی الجمعة، اصلاً فی یوم الجمعة هم ندارد تا بعد بگوئیم یوم شامل نماز صبح نمی شود چون مبدأ یوم آقای خوئی فرمودند از طلوع آفتاب است. اصلاً ندارد یوم، بلکه دارد فی الجمعة. فیکراً قل هو الله احد قال یرجع الی سورة الجمعة. ایشان فرمودند: من از این صحیح محمد بن مسلم استفاده می کنم که این شامل لیلۃ الجمعة هم می شود. دارد فی الجمعة، ندارد یوم الجمعة. خودتان می گوئید شب جمعه، شب جمعه یعنی شبی که جزء جمعه است. یعنی جمعه از شب جمعه شروع می شود، منتها لیلۃ الجمعة است بعدش یوم الجمعة می شود، این جا هم که ندارد یوم الجمعة، [لذا] لیلۃ الجمعة را هم شامل می شود.

وجه عدم شمول دلیل جواز عدول برای نماز عشاء شب جمعه

ایشان فرموده: ولی من نمی گویم که شامل نماز عشاء شب جمعه هم می شود این جواز عدول. چرا؟ برای این که این روایات مثل صحیح حلی و صحیح محمد بن مسلم ظاهر در این که نمازهایی که مستحب است در آن نماز سوره جمعه و منافقین خوانده بشود، در آن نمازها می گوید اگر سوره توحید یا جحد خواندید می توانید عدول کنید به سوره جمعه و منافقین، در آن نمازهایی که مستحب است انسان سوره جمعه و منافقین بخواند. و ما دلیل معتبری نداریم که در نماز عشاء شب جمعه مستحب است سوره جمعه و منافقین، ما دلیل معتبری بر این نداریم. پس اگر دلیل معتبری داشتیم که در نماز عشاء شب جمعه هم مستحب است در رکعت اول سوره جمعه بخوانیم در رکعت دوم سوره منافقین، ما به اطلاق صحیح محمد بن مسلم اخذ می کردیم می گفتیم در جمعه جایز است عدول از سوره توحید به سوره جمعه و منافقین می گفتیم در جمعه شامل نماز عشاء شب جمعه هم می شود اما چه کنیم دلیل معتبری نداریم که مستحب است در نماز عشاء شب جمعه سوره جمعه و منافقین، سه تا روایت داریم این ها ضعیف السند هستند.

[سؤال: ... جواب:] این روایت ظاهرش این است که منصرف است به جاهایی که مستحب است سوره جمعه و منافقین، اما در نماز عشاء شب جمعه هم مستحب است؟ هذا اول الکلام. حالا روایات استحباب سوره جمعه و منافقین در نماز عشاء که ضعیف السند است مراجعه کنید به جلد ۶ و مسائل صفحه ۱۱۹ مرفوعه حریر و ربیع هست، فقه الرضا هم هست، و یک روایتی که جعفر بن احمد قمی در کتاب العروس از ابی الصباح کنانی نقل می کند که این ها همه ضعیف السند هستند. ولی آخرش آقای سیستانی یک نکته ای فرموده، تولید اشکال کرده، فرموده: ما دلیل معتبر داریم که در نماز عشاء شب جمعه رکعت اول سوره جمعه مستحب است، سوره منافقین را نداریم، سوره جمعه مستحب است. مثل چی؟ مثل صحیح بزنطی: تقرأ فی لیلۃ الجمعة سورة الجمعة و سبح اسم ربک الاعلی، موثق سماعه هم هست: اقرأ فی لیلۃ الجمعة سورة الجمعة و سبح اسم ربک الاعلی. و مسائل جلد ۶ صفحه ۱۵۶ و صفحه ۱۱۹.

[سؤال: روایت مطلق است، چرا مختص حال نماز می‌کنید؟ جواب:] [تقرأ فی لیلة الجمعة سورة الجمعة و سبح اسم ربك الاعلى و فی الغداة الجمعة و قل هو الله احد و فی الجمعة الجمعة و المنافقین و القنوت فی الركعة الاولى قبل الركوع، این‌ها نماز را دارد می‌گوید.]

ایشان فرمودند: ممکن است کسی بگوید: در نماز عشاء شب جمعه هم و لو رکعت اولش مستحب است سوره جمعه، همین کافی است، سوره منافقین مستحب نیست در نماز عشاء شب جمعه ولی سوره جمعه که مستحب است، همین کافی است که به اطلاق صحیح محمد بن مسلم عمل کنیم، اطلاق صحیح محمد بن مسلم ظاهرش این بود که هر کجا مستحب بود شما نماز جمعه بخوانید در جمعه اعم از لیله جمعه یا یوم جمعه، شما سوره قل هو الله را شروع کردید شما می‌توانید عدول کنید به سوره جمعه.

ولی ما فتوی به این مطلب نمی‌دهیم. چرا؟ برای این که شبهه این که فی الجمعة در صحیح محمد بن مسلم مراد فی یوم الجمعة باشد و لو از باب این که در صحیح حلبی دارد فی یوم الجمعة، عرف بگوید این‌ها می‌خواهند یک چیز را بگویند، این هم فی یوم الجمعة است، مانع می‌شود ما فتوی بدهیم که در نماز عشاء شب جمعه جایز است عدول از سوره توحید و جحد به سوره جمعه، با این که مستحب است سوره جمعه در نماز عشاء شب جمعه اما نماز صبح روز جمعه، نماز ظهر روز جمعه، نماز عصر روز جمعه، این‌ها مشمول دو روایت معتبره هستند. و لذا ما فتوی می‌دهیم که جایز است عدول از سوره جحد و توحید به سوره جمعه و منافقین در نماز صبح روز جمعه، در نماز ظهر و عصر روز جمعه و در نماز جمعه، بر خلاف مشهور.

تأمل بفرمایید، ان شاء الله بقیه مطالب را فردا عرض می‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.